

ماجته

پژوهش‌های فقهی

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال سوم، شماره ۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

واکاوی استفاده از روش‌های اورژانسی

جلوگیری از بارداری^۱

محمد فائزی^۲، محمدحسین صالح‌نیا^۳

ماجته
پژوهش‌های فقهی

چکیده

امروزه فراوان از روش‌های جلوگیری از بارداری استفاده می‌شود. دسته‌ای از این روش‌ها، روش‌های اورژانسی نامیده می‌شود و شکل‌های گونه‌گونی دارد که هر کدام عملکردی متفاوت دارد؛ ولی معمولاً یک یا چند عملکرد از این سه عملکرد رخ می‌دهد: ۱. با از بین بردن اسپرم یا کند کردن حرکت اسپرم به سمت تخمک از لقاح و تشکیل نطفه ممانعت می‌شود؛ ۲. مانع آزاد سازی تخمک از تخمدان می‌شود؛ ۳. مانع لانه‌گزینی تخمک لقاح یافته در دیواره رحم می‌شود.

از منظر فقهی، اصل برائت و ادله جواز عزل می‌تواند به عنوان دلیل بر حلیت

واکاوی استفاده از روش‌های اورژانسی جلوگیری از بارداری

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۰۷
۲. تاریخ تأیید: ۱۳۹۹/۰۲/۳۱
۳. دانش‌پژوه مرکز فقهی ائمه اطهار و سطح سه حوزه علمیه قم. (نویسنده مسئول) M.FAAEZI@CHMAIL.IR
- متخصص طب اورژانس، عضو هیئت علمی و استادیار دانشگاه. MHSALAHNIA31@GMAIL.COM

روش های جلوگیری از بارداری قبل از تشکیل نطفه اقامه شود؛ ولی در صورتی که نطفه منعقد شد اسقاط آن حرام است.

با توجه به اینکه بیشتر راه های اورژانسی جلوگیری، ترکیبی عمل می کنند در صورتی که شک شود روشی، مانع لقاح است یا اینکه مانع لانه گزینی شده و سبب اسقاط نطفه منعقد شده می گردد، می توان به استناد صحیح رفاعه حکم به تحریم داد؛ چه اینکه صحیح رفاعه بر حرمت استفاده از داروی سقط در صورت احتمال حاملگی دلالت دارد. بلکه صحیح اسحاق بن عمار که حرمت استفاده از دارو در صورت ترس از حاملگی را روایت می کند نیز بنا بر یک احتمال، دلیلی بر این موضوع است. از این رو هیچ یک از راه های جلوگیری از بارداری جایز نیست، مگر آنکه مکلف احراز کند که نطفه هنوز منعقد نشده است.

دیدگاه نهایی این نوشتار با باور برخی فقها متفاوت است. علت آن است که ایشان در بررسی استفاده از این راه ها - با عنایت به اینکه انعقاد نطفه مشکوک است - به اصول عملیه استناد کرده اند؛ ولی در این مقاله با استناد به روایت و دلیل اجتهادی، تلقی حکم شده است.

واژگان کلیدی: بارداری، قرص های اورژانسی، نطفه، تحدید نسل، سقط جنین.

مقدمه

پیشرفت بشر در شئون زندگی و فن آوری های جدید از جمله در زمینه بهداشت و درمان هر روزه ما را با مسائل و موضوعات جدیدی روبه رو می کند.

برای به دست آوردن هر حکمی لازم است پیش از مراجعه به ادله شرعی، موضوع شناسی صحیحی صورت پذیرد. گاهی موضوع شناسی، مخصوصاً در موضوعات نوپدید با پیچیدگی های خاصی مواجه است که به داشتن تخصص در علوم مرتبط با موضوع نیاز دارد؛ ولی از آنجا که یک نفر نمی تواند در همه علوم تخصص یابد، فقیه به ناچار برای افتا باید به متخصص آن موضوع رجوع کند.

بررسی جواز استفاده از قرص های اورژانسی برای جلوگیری از بارداری هدف نوشتار پیش روست. این مقوله از آن دست مسائلی است که شناخت موضوع آن نیاز به مراجعه به متخصص آشنا به مباحث پزشکی دارد. از این رو نخست، موضوع، منقح و تبیین شده و در ادامه حکم فقهی آن با مراجعه به ادله شرعی و مبانی فقهی واکاوی می شود.

از شاخصه های نوشتار حاضر، پرداخت ویژه و اختصاصی به قرص های جلوگیری است

که در این راستا به عنوان قرص اورژانسی اکتفا نکرده، بلکه قرص‌های گوناگون اورژانسی را به صورت جداگانه مورد تحلیل و بررسی قرار داده است. یافت دلیل اجتهادی در تعیین حکم فرض شک از ممیزه‌های این مقاله است که حکم فراگیر را به استناد روایات تحریم قرار داده است و از این جهت با روش و دیدگاه برخی فقها به مخالفت برخاسته است.

لازم است یادآور شویم که هدف مقاله تبیین حکم اولی استفاده از قرص‌های جلوگیری است و به عناوین دیگری که ممکن است موجب حرمت شود نظر ندارد، چنان‌که محل بحث نیز بر اساس مؤلفه‌های ذیل سامان یافته است:

۱. اسقاط حمل قبل از ولوج روح باشد، وگرنه یکی از مصادیق قتل شمرده می‌شود و حرمت آن بی‌اشکال است.

۲. زن با اذن شوهر از روش‌های جلوگیری استفاده کند؛ چه اینکه در فرض منع شوهر، وجود چنین حقی برای زوج باید مورد بررسی قرار گیرد.

۳. زن خود اقدام به اسقاط حمل کند یا کسی را برای این کار اجیر نماید یا اذن به این کار دهد؛ اما اگر فرد دیگری حتی پدر بخواهد بدون اذن زن، حمل را اسقاط کند، نوعی جنایت و عدوان بر زن است که باید حرمت آن بر اساس ادله بررسی شود.^۱

موضوع‌شناسی

شناخت دقیق موضوع در سایه برداشتی درست از بارداری و مراحل آن و شناخت انواع قرص‌های جلوگیری و شیوه عملکرد آن‌ها پدید می‌آید. از این رو لازم است با نگاه پزشکی و با توجه به تأثیر آن در استنباط حکم شرعی به این مقوله‌ها پرداخت نمود.

۱. بارداری و سقط

بارداری از نظر علمی به موقعیتی گفته می‌شود که زن در بدن خود یک جنین زنده با قابلیت رشد (بعد از لقاح اسپرم و تخمک) را حمل کند و سقط به از بین رفتن محصولات حاملگی قبل از آنکه جنین قابلیت حیات در خارج از رحم را پیدا کند گفته می‌شود.^۲

۱. ر.ک به: قایینی، المبسوط فی فقه المسائل المعاصرة المسائل الطبية، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲. STOYLES, BYRON. (2015). THE VALUE OF PREGNANCY AND THE MEANING OF PREGNANCY LOSS.

۲. مراحل بارداری

بارداری طی مراحل شکل می‌گیرد. اسپرم پس از آزاد شدن از بدن مرد تا چند ساعت در محیط بیرون و حداکثر تا پنج روز در محیط رحم زن زنده می‌ماند. اگر طی این پنج روز از تخمدان زن تخمکی آزاد شود می‌تواند به سمت آن حرکت کند و آن را بارور سازد. سپس تخم بارور شده به سمت دیواره رحم حرکت می‌کند. به طور طبیعی حدود چهل درصد تخم‌های لقاح‌یافته این شانس را پیدا می‌کنند که در دیواره رحم جاگیر شوند و ادامه بقا پیدا کرده و دوره جنینی را تا به پایان طی کنند. اما در شصت درصد موارد این اتفاق نمی‌افتد و بدون اینکه زن چیزی را احساس کند، روند بارداری شدن شکست می‌خورد. بدیهی است شکست در هر یک از مراحل قبل از تشکیل تخم (به اسبابی چون اختلال در آزاد شدن تخمک یا اختلال در حرکت اسپرم به سمت تخمک) نیز می‌تواند به طور طبیعی رخ دهد و بالطبع بارداری اتفاق نیفتد. به همین دلیل احتمال بارداری در هر بار مقاربت چندان زیاد نیست و علاوه بر زمان مقاربت، عوامل بسیار دیگری بر آن تأثیرگذارند. دستکاری مصنوعی در هر قسمت از روند ذکر شده نیز می‌تواند باعث پیشگیری از بارداری شود.^۱

۳. روش‌های اورژانسی پیشگیری از بارداری

روش‌های اورژانسی پیشگیری از بارداری روش‌هایی هستند که برای پیشگیری از بارداری ناخواسته بعد از وقوع نزدیکی استفاده می‌شود. این روش وقتی استفاده می‌شود که زوجین قبل از نزدیکی، از سایر روش‌های پیشگیری از بارداری استفاده نکرده باشند یا اینکه از عدم کارایی روش استفاده شده نگرانی داشته باشند. این روش برای پیشگیری از بارداری در مواردی مانند تجاوزات جنسی نیز استفاده می‌شود. این روش‌ها اگر به موقع استفاده شوند (حداکثر تا ۵ روز بعد از نزدیکی) می‌توانند تا ۹۵ درصد از وقوع حاملگی جلوگیری کنند. در مطالعات متعدد دیده شده که حدود یک و نیم

مباحثات
پژوهشی علمی

سال سوم، شماره ۱، پاییز، زمستان ۱۳۹۸

JOURNAL OF SOCIAL PHILOSOPHY. 46. 10.1111/josp.12088.

۱. JOSEPH B. STANFORD, DAVID B. DUNSON, EFFECTS OF SEXUAL INTERCOURSE PATTERNS IN TIME TO PREGNANCY STUDIES, AMERICAN JOURNAL OF EPIDEMIOLOGY, VOLUME 165, ISSUE 9, 1 MAY 2007, PAGES 1088-1095, [HTTPS://DOI.ORG/10.1093/AJE/KWK111](https://doi.org/10.1093/aje/kwk111)

درصد از زنانی که بعد از مقاربت از یکی از روش‌های اورژانسی استفاده کرده‌اند حتی با وجود استفاده به موقع و صحیح از این روش‌ها باردار شدند.^۱

۴. انواع مهم قرص‌های اورژانسی پیشگیری از بارداری و مکانیسم اثر آن‌ها

مکانیسم اثر قرص اورژانسی از اساس با داروهای سقط‌کننده جنین متفاوت است و برای سقط جنین از داروهای دیگری استفاده می‌شود. اغلب شواهد نشان می‌دهد که قرص اورژانسی نمی‌تواند بر بارداری ثابت شده (جنین جایگزین شده در دیواره رحم) تأثیر بگذارد یا آن را متوقف کند یا به جنین در حال رشد آسیب برساند، هر چند شواهد برای اثبات قطعی این موضوع کافی نیست. به علاوه این مسأله در مورد هر روش با روش دیگر متفاوت است.

۱. لوونورژسترون (LNG): این قرص یک قرص پروژسترونی است که جلوی تخمک‌گذاری را می‌گیرد یا آن را چند روز به تأخیر می‌اندازد و باعث می‌شود از تخمدان زن تخمکی آزاد نشود و بالطبع لقاحی نیز صورت نگیرد. این قرص هم‌چنین از طریق ضخیم کردن موکوس گردن رحم و هم‌چنین کند کردن حرکت اسپرم یا تخمک در لوله‌های رحم باعث جلوگیری از به هم رسیدن اسپرم و تخمک و انجام عمل لقاح می‌شود. اغلب یافته‌ها بر این دلالت دارد که این قرص‌ها باعث جلوگیری از لانه‌گزینی سلول تخم لقاح یافته در دیواره رحم نمی‌شوند، هر چند شواهدی نیز - به خصوص در مطالعات حیوانی - بر خلاف آن وجود دارد. علاوه آنکه نظر غالب این است که این قرص‌ها تأثیری بر جنین تثبیت شده در دیواره رحم ندارند و باعث سقط نمی‌شوند.

۲. قرص‌های یولیپرستال (UPA): مثل لوونورژسترون این دارو نیز آزاد شدن تخمک از تخمدان زن را عقب می‌اندازد. در بعضی از مطالعات نشان داده شده است که این دارو با جلوگیری از بلوغ دیواره رحم باعث نامناسب ماندن آن برای پذیرش تخم لقاح یافته و در نتیجه جلوگیری از لانه‌گزینی تخم می‌شود. در این مورد هم نظر اغلب محققان این است که این

مجموعه پژوهش‌های علمی

واکوی استفاده از روش‌های اورژانسی جلوگیری از بارداری

۱. JOSEPH B. STANFORD, DAVID B. DUNSON, EFFECTS OF SEXUAL INTERCOURSE PATTERNS IN TIME TO PREGNANCY STUDIES, AMERICAN JOURNAL OF EPIDEMIOLOGY, VOLUME 165, ISSUE 9, 1 MAY 2007, PAGES 1088-1095, [HTTPS://DOI.ORG/10.1093/AJE/KWK111](https://doi.org/10.1093/AJE/KWK111)

دارو باعث سقط جنینی که از قبل، در دیواره رحم جایگزین شده است نمی‌شود.^۱

۳. وسایل داخل رحمی از جنس مس (IUD): مکانیسم اثر این روش دقیقاً مشخص نیست؛ ولی اغلب یافته‌ها بر این دلالت دارد که این وسیله با آزاد کردن تدریجی یون مس باعث ایجاد محیط نامناسب برای زنده ماندن اسپرم در رحم و در نتیجه ناتوانی اسپرم در لقاح می‌شود. در اغلب موارد این روش تأثیری بر جنینی که از قبل در رحم وجود داشته است ندارد.

۴. قرص‌های ترکیبی: مثل قرص‌های ضد بارداری معمولی (غیر اورژانسی) که زنان به مدت ۲۱ روز در هر ماه استفاده می‌کنند و ترکیبی از اتینیل استرادیول و پروژسترون است. استفاده از این قرص‌ها به عنوان یک روش برای پیشگیری اورژانسی از بارداری دیگر توصیه نمی‌شود، مگر اینکه سایر قرص‌ها در دسترس نباشند. در ایران که اغلب زوج‌ها از قبل برای موارد اورژانسی و اضطراری برنامه‌ای ندارند هنوز استفاده از این قرص‌ها جزو شایعترین روش‌ها در موارد اورژانسی است. استفاده اورژانسی از این قرص‌ها عوارض بیشتری نسبت به روش‌های قبل دارد و در مقابل، تأثیر کمتری دارد. این قرص‌ها نیز با جلوگیری از آزاد شدن تخمک، جلوگیری از حرکت اسپرم به سمت تخمک و در نهایت جلوگیری از لانه‌گزینی تخم لقاح یافته در دیواره رحم عمل می‌کنند.

۵. مایفپریستون (RU-486): روشی مؤثر با عوارض کم است و با دوزهای غیر معمول و بالا باعث سقط نیز می‌شود.^۲

مباحث
پژوهشی علمی

سال سوم، شماره ۱، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

۱. GLASIER A, CAMERON ST, BLITHE D, SCHERRER B, MATHE H, LEVY D, ET AL. CAN WE IDENTIFY WOMEN AT RISK OF PREGNANCY DESPITE USING EMERGENCY CONTRACEPTION? DATA FROM RANDOMIZED TRIALS OF ULIPRISTAL ACETATE AND LEVONORGESTREL. CONTRACEPTION. 2011 OCT;84(4):363-7. DOI: 10.1016/J.CONTRACEPTION.2011.02.009. EPUB 2011 APR 2.
- HAEGER KO, LAMME J, CLELAND K. STATE OF EMERGENCY CONTRACEPTION IN THE U.S., 2018. CONTRACEPT REPROD MED. 2018;3:20. PUBLISHED 2018 SEP 5. DOI:10.1186/s40834-018-0067-8
۲. MATYANGA CMJ, DZINGIRAI B. CLINICAL PHARMACOLOGY OF HORMONAL EMERGENCY CONTRACEPTIVE PILLS. INT J REPROD MED. 2018;2018:2785839. PUBLISHED 2018 OCT 4. DOI:10.1155/2018/2785839/

۵. عملکردهای قرص‌های جلوگیری اورژانسی

چگونگی عملکرد قرص‌های جلوگیری اورژانسی بیان گردید. بازخوانی عملکرد این قرص‌ها در مجموع در سه شیوه تبلور دارد که برای بررسی فقهی لازم است جداسازی و تبیین گردد:

۱. متوقف کردن آزادسازی تخمک از تخمدان‌ها در صورتی که نزدیکی در زمانی انجام شده باشد که هنوز تخمک‌گذاری انجام نشده باشد. تخمک‌گذاری معمولاً چهارده روز بعد از شروع خونریزی عادت ماهیانه یا حدود یک هفته بعد از پاک شدن زن اتفاق می‌افتد؛ ولی اصلاً این زمان دقیق نیست. این عملکرد، مکانیسم اصلی در اغلب روش‌ها است.

۲. پیشگیری از بارور شدن تخمک‌های آزاد شده از تخمدان توسط اسپرم با کاهش قدرت حرکت اسپرم به سمت تخمک از طریق غلیظ کردن ترشحات دهانه ورودی رحم (گردن رحم) و هم‌چنین کاهش تحرک لوله‌های رحم که تخمک را به اسپرم یا بالعکس می‌رسانند.

۳. جلوگیری از اتصال تخم بارور شده به مخاط رحم به وسیله جلوگیری از بلوغ مخاط دیواره رحم و در نتیجه نامناسب کردن دیواره رحم برای لانه‌گزینی. شایان ذکر است که این روش تخم لقاح یافته را نمی‌کشد، بلکه صرفاً باعث جلوگیری از لانه‌گزینی آن می‌شود.^۱

مباحث

واکوی استفاده از روش‌های اورژانسی جلوگیری از بارداری

حکم‌شناسی استفاده از قرص‌های اورژانسی جلوگیری

همان‌طور که بیان شد بر اثر مصرف این قرص‌ها یک یا چند عملکرد از سه عملکرد مختلف در بدن رخ می‌دهد. دو عملکرد اول قبل از انعقاد نطفه و رسیدن اسپرم به تخمک است و عملکرد سوم مربوط به بعد از این مرحله است.

در بحث فقهی باید حکم شرعی هر یک از این سه بررسی شود و مشخص شود کدام یک از این عملکردها جایز و کدام جایز نیست. اگر نتیجه آن شود که بعضی از این روش‌ها جایز و بعضی جایز نیست، بحث بعدی این خواهد بود که با توجه به اینکه در بسیاری از روش‌های اورژانسی معلوم نیست کدام عملکرد در بدن رخ می‌دهد، حال که احتمال هر یک از عملکردها مجاز و غیر مجاز وجود دارد، استفاده از این روش‌ها چه حکمی دارد.

۱. در ادامه از این سه عملکرد به اختصار به عملکرد اول و دوم و سوم تعبیر می‌شود.

واکاوی فقهی عملکرد اول و دوم

عملکرد اول و دوم در اینکه قبل از رسیدن اسپرم به تخمک می‌باشند مشترکند. لذا از لحاظ فقهی فرقی بین این دو عملکرد وجود ندارد و با هم بررسی می‌شود.

جلوگیری از بارداری قبل از انعقاد نطفه می‌تواند صور مختلفی داشته باشد:

۱. از ریخته شدن منی در داخل رحم ممانعت شود؛ با بیرون ریختن منی به مانند عزل یا استفاده از وسیله‌ای که منی را در خود نگه دارد و مانع از ریختن آن در رحم شود.
۲. منی‌ای که داخل رحم ریخته شده است با دارو یا غیر آن از صلاحیت باروری ساقط شود.
۳. با دارو یا غیر آن مانع آزاد شدن تخمک زن شده یا آنکه تخمک آزاد شده را از صلاحیت باروری انداخت.

عزل، موضوعی است که در روایات منعکس و از امامان علیهم‌السلام سؤال شده است.^۱ این موضوع از آغاز در کتب فقهی مطرح و پیرامون آن بحث شده است. مشهور فقها عزل را در عقد دائم و زن آزاد، در صورتی که زن راضی به آن باشد جایز دانسته‌اند، بلکه دیدگاه مخالفی در این موضوع گزارش نشده است، چنان‌که ادعای اجماعی بودن نیز شده است.^۲ آری اگر زن به عزل راضی نباشد و در عقد هم شرط نشده باشد، برخی از علما حرمت را برگزیده‌اند؛ ولی هم‌چنان به باور مشهور عزل جایز است.^۳

سید یزدی در *عروة الوثقی* این مسأله را مطرح کرده و جواز عزل را اختیار نموده است و هیچ یک از سیزده حاشیه‌نگار آن که از فقهای معاصرند اشکالی نکرده‌اند.^۴ دیدگاه جواز در فتوای فقهای معاصر نیز تبلور دارد.^۵

فقها در عقد موقت نیز به جواز عزل رأی داده‌اند و برخی ادعای اجماع بر جواز کرده‌اند،

۱. «به معنای خارج کردن آلت به هنگام انزال و بیرون ریختن منی.» طباطبایی، *العروة الوثقی*، ج ۲، ص ۸۰۹.
۲. نراقی، *مستند الشیعة فی أحكام الشریعة*، ج ۱۶، ص ۷۴. رک به: قایینی، *المبسوط فی فقه المسائل المعاصرة*، ج ۱، ص ۲۴۱.
۳. نجفی، *جواهر الکلام*، ج ۲۹، ص ۱۱۲.
۴. طباطبایی، *العروة الوثقی (المحشی)*، ج ۵، ص ۵۰۶. نیز نگ: همو، *العروة الوثقی مع التعليقات*، ج ۲، ص ۷۶۹.
۵. سیستانی، *منهاج الصالحین*، ج ۳، ص ۱۱؛ اصفهانی، *وسيلة النجاة (مع حواشی الگلپایگانی)*، ج ۳، ص ۱۴۶؛ صافی، *هدایة العباد*، ج ۲، ص ۳۹۷؛ طباطبایی، *العروة الوثقی مع تعليقات الفاضل*، ج ۲، ص ۶۹۰؛ وحید، *منهاج الصالحین*، ج ۳، ص ۲۹۵.

گرچه زن ناراضی باشد^۱.

اما آنچه که در روش اورژانسی جلوگیری از بارداری محل بحث است بررسی حکم ایجاد مانع از انعقاد نطفه (ولو با از بین بردن مقتضی) در صورت ریخته شدن منی در رحم است. در میان منابع، دلیلی بر حرمت از بین بردن اسپرم یا تخمک یا جلوگیری از رها شدن تخمک وجود ندارد؛ مگر آنکه عناوین دیگری مانند لمس، نظر و ضرر صدق کند که از موضوع مقاله بیرون است، بلکه می توان ادعا کرد از ادله جواز عزل، حلیت این راهها استفاده می شود. تبیین استدلال آنکه: عزل، اعدام منی خارج از رحم است و خارج رحم بودن عرفاً خصوصیت و دخالتی در حکم ندارد، بلکه آنچه که موضوع جواز است ممانعت از انعقاد نطفه است، داخل رحم یا خارج آن. البته همان طور که بیان شد این استدلال مبتنی بر استظهار عرفی نسبت به عدم خصوصیت عزل است و اگر در استظهار شک رخ دهد، مانند آنکه احتمال دهیم اعدام منی در داخل بدن زن خصوصیتی دارد که ممکن است حکم را تغییر دهد استدلال ناتمام می شود.

واکاوی فقهی عملکرد سوم

در عملکرد سوم، تخمک لقاح یافته از بین برده می شود. به نظر می رسد حکم این عملکرد حرمت باشد. دلایل متعددی بر این امر دلالت دارد:

۱. ممنوعیت اجرای حد در زمان بارداری

ممنوعیت اجرای حد در زمان بارداری می تواند دلیلی بر حرمت اسقاط حمل قلمداد گردد. در بسیاری از کتب فقهی به ممنوعیت اجرای حد در زمان بارداری تصریح شده است^۲، بلکه مخالفی در این مسأله دیده نشده است^۳. روایات متعددی مورد استناد قرار گرفته که از باب نمونه به دو روایت اشاره می شود:

۱. محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۱۳، ص ۳۳؛ شهید ثانی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - کلاتر)، ج ۵، ص ۲۸۸؛ حائری، ریاض المسائل (ط-الحديثة)، ج ۱۱، ص ۳۳۹.
۲. مفید، المقنعة، ص ۷۸۲؛ طوسی، الميسوط في فقه الإمامية، ج ۸، ص ۳۶؛ محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۱۴۳؛ شهید ثانی، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - کلاتر)، ج ۹، ص ۱۳۷؛ شهید ثانی، مسالك الأفهام، ج ۱۴، ص ۳۷۶؛ حلی، الجامع للشرائع، ص ۵۵۴.
۳. نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۳۷.

۱. صحیح محمد بن قیس: این گزارش را شیخ طوسی از حسین بن سعید نقل نموده است. طریق وی به حسین بن سعید بی اشکال صحیح است.^۱ چنان‌که همه روایت سند از بزرگان و اجلای اصحاب هستند. در این گزارش امیرالمؤمنین علیه السلام زن بارداری که مستحق حد قتل گردیده است را حبس می‌کنند تا پس از وضع حمل حد را بر او جاری سازند:

و عنه (الحسین بن سعید) عن النضر بن سوید عن عاصم بن حمید عن محمد بن قیس عن أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: قَضَى أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام فِي وَليدَةٍ كَانَتْ نَصْرَانِيَّةً فَأَسْلَمَتْ وَ وُلِدَتْ لِسَيِّدِهَا ثُمَّ إِنَّ سَيِّدَهَا مَاتَ (وَ أَوْصَى بِهَا) عَتَاقَةَ السَّرِّيَّةِ عَلَيَّ عَهْدِ عَمْرٍ فَتَكَحَّتْ نَصْرَانِيَّةً دِيرَانِيَّةً وَ تَنَصَّرَتْ فَوُلِدَتْ مِنْهُ وَ لَدَيْنِ وَ حَبَلْتُ بِالثَّالِثِ فَقَضَى فِيهَا أَنْ يُعْرَضَ عَلَيْهَا الْإِسْلَامُ فَعَرَضَ عَلَيْهَا الْإِسْلَامَ فَأَبَتْ فَقَالَ مَا وُلِدَتْ مِنْ وَ لَدِي نَصْرَانِيَّةً فَهُمْ عِيْدٌ لِأَخِيهِمُ الَّذِي وُلِدَتْ لِسَيِّدِهَا الْأَوَّلِ وَ أَنَا أَحْبِسُهَا حَتَّى تَضَعَ وَ لَدَهَا فَإِذَا وُلِدَتْ قَتَلْتُهَا؛ كَنِيْزِي مَسِيْحِي، مُسْلِمَانِ شَدِي وَ بَرَايَ مُوَلَايَ خُودِ فَرَزَنْدِ مِيْ أُوْرِد. بَعْدَ از مَرِگِ مُوَلَايَ خُودِ بَا يَكِ مَسِيْحِي اَزْدَوَاجِ كَرْدِي وَ مَجْدَدَاً مَسِيْحِي مِيْ شُود وَ بَرَايَ او دُو فَرَزَنْدِ مِيْ أُوْرِد وَ بِي سُوْمِي حَامِلِي مِيْ شُود. اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ علیه السلام اِيْنِ گُوْنِي حَكْمِ نَمُودِ كِي اِسْلَامِ بَرِ او عَرَضِي شُود. پَسِ بَرِ او عَرَضِي شُد، وَ لِي اَن زَنِ از مُسْلِمَانِ شَدِنِ اَبَا كَرْد. پَسِ اِمَامِ فَرَمُود: دُو فَرَزَنْدِ مَسِيْحِي كِي بِي دُنْيَا أُوْرِدِي، عِبْدِ بَرَادَرِشَانِ كِي بَرَايَ مُوَلَايَ مُسْلِمَانِ أُوْرِدِي اَسْتِ هَسْتَنْدِ وَ مَنِ اَن زَنِ رَا حَبْسِ مِيْ كَنَمِ تا فَرَزَنْدِشِ رَا بِي دُنْيَا أُوْرِد. بَعْدَ از اَن او رَا بِي قَتْلِ مِيْ رَسَانِم.^۲

۲. موثقه عمار ساباطی: در این گزارش امام به صبر تا وضع حمل و پایان شیردهی فرزند

دستور می‌دهند:

عنه (محمد بن علی بن محبوب) عن أحمد بن الحسن عن عمرو بن سعید عن مصدق بن صدقة عن عمار الساباطي قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنْ مُحْصَنَةٍ زَنَتْ وَ هِيَ حُبْلَى قَالَ تَقْرُ حَتَّى تَضَعَ مَا فِي بَطْنِهَا وَ تُرْضِعَ وَ لَدَهَا ثُمَّ تُرْجَمُ. مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَمَّارٍ مِثْلَهُ؛ از اِمَامِ صَادِقِ علیه السلام دَرِ مَورِدِ زَنِ بَارْدَارِي كِي زَنَائِ مُحْصَنِي مِيْ كَنْدِ پَرَسِيْدِم. حَضْرَتِ فَرَمُود: نَگِي دَاشْتِي مِيْ شُودِ تا زَمَانِي كِي وَضَعِ حَمْلِ كَنْدِ وَ فَرَزَنْدِشِ رَا شِيْرِ دِهْدِ سِپَسِ سَنَگَسَارِ مِيْ شُود.^۳

۱. طوسی، تهذیب الأحكام، المشیخة، ص ۶۳؛ همو، الفهرست، ص ۱۵۰.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۸، ص ۳۳۱.

۳. همان، ج ۲۸، ص ۱۰۷.

این روایت به دو سند گزارش شده است. سند اول از شیخ طوسی است و روایت آن همه ثقه‌اند.^۱ سند دوم از شیخ صدوق است و این چنین است: «کلّ ما كان في هذا الكتاب عن عمّار بن موسی السّاباطی فقد رویته عن أبي؛ و محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید - رضي الله عنهما - عن سعید بن عبد الله^۲ عن أحمد بن الحسن علی بن فضال عن عمرو بن سعید المدائنی عن مصدّق بن صدقة عن عمّار بن موسی السّاباطی».^۳ این طریق بی اشکال معتبر است. روایت به علت وجود راویان متعددی از فطحیه، موثقه است.

بدین روی حرمت و ممنوعیت اجرای حد در زمان بارداری قابل انکار نیست. اکنون باید از این گزاره برای اثبات حرمت اسقاط حمل بهره برد. تقریب استدلال بدین شرح است: آنچه به عنوان موضوع در این روایات اخذ شده است «حبلی یا حامل» است؛ یعنی زن حامله باشد.^۴ امام درباره زن حامله، به لزوم تأخیر حد حکم نموده‌اند و لزوم تأخیر حد با حرمت اسقاط حمل ملازمه دارد؛ یعنی از عدم جواز اجرای حد بر زن حامله فهمیده می‌شود اسقاط حمل در هر مرحله‌ای از مراحل حمل جایز نیست. (در ادامه در مورد ملازمه ادعا شده بحث خواهد شد.) بدین ترتیب حرمت اسقاط حمل به عنوان کبرای استدلال اثبات گردید.

اما اینکه از چه زمانی لفظ حمل و بارداری بر زن صدق می‌کند صغری استدلال است و باید ثابت شود. به نظر می‌رسد ابتدای حاملگی زمان انعقاد نطفه است. پس گرچه که نطفه

ما اجتهاد
پژوهش‌های فقهی

واکوی استفاده از روش‌های اورژانسی جلوگیری از بارداری

۱. طریق شیخ به محمد بن علی بن محبوب در مشیخه تهذیب این گونه است: «و ما ذکرته في هذا الكتاب عن محمد بن علی بن محبوب فقد أخبرني به الحسين بن عبيد الله عن أحمد بن محمد بن يحيى العطار عن أبيه محمد بن يحيى عن محمد بن علي بن محبوب.» (طوسی، تهذیب الأحكام، المشیخه، ص ۷۲) همه راویان این طریق ثقه‌اند. تنها احمد بن محمد بن محمد بن يحيى توثیق خاص ندارد که می‌توان او را با توجه به اکثر روایات صدوق و ابن غضائری از او توثیق کرد. البته شیخ در فهرست چند طریق دیگر به کتب محمد بن علی بن محبوب ذکر کرده است، از جمله: «و أخبرنا جماعة عن محمد بن علي بن الحسين عن أبيه و محمد بن الحسن عن أحمد بن إدريس عن محمد بن علي بن محبوب.» (طوسی، الفهرست، ص ۴۱۱) که اگر اخبار جماعت را موجب اطمینان بدانیم این طریق بی اشکال معتبر است.

نکته مهم آنکه بررسی اعتبار طریق طبق مبنایی است که بررسی طرق را لازم می‌داند؛ ولی تحقیق آن است که طرق به کتب تشریفاتی بوده‌اند و نیازی به بررسی آنها نیست.

۲. در این نسخه اشتهاها به جای «سعید بن عبد الله»، «سعید بن عبد الله» ذکر شده است.

۳. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۲.

۴. فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر، ج ۲، ص ۱۱۹؛ طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۳۴۸؛ فراهیدی، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۱۳۹.

در دیواره رحم لانه‌گزینی نکرده باشد زن، «حبلی» و «حامل» به حساب می‌آید. اما اینکه ابتدای حاملگی را بعد از لانه‌گزینی بدانیم بعید است؛ زیرا اساساً در گذشته مردم اطلاعی از این نداشتند که نطفه در دیواره رحم لانه‌گزینی می‌کند تا بخواهند در نام‌گذاری بین روزهای قبل از این مرحله و بعد از این مرحله تفاوت بگذارند و در نظر عرف صدق حاملگی بر چسبیدن تخمک لقاح یافته به دیواره رحم متوقف باشد، بلکه امروزه نیز اکثر مردم از آن بی‌خبر هستند و قبلاً بیان شد تعریفی که برای بارداری در علم پزشکی بیان شده است نیز شامل این مرحله می‌شود.

تبادر و عدم صحت سلب دلیل بر این تعریف از حاملگی است. نیز می‌توان به عنوان مؤید به این آیات شریفه «وَ حَمَلُهُ وَ فِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا»^۱ و «وَ أَوْلَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمَلَهُنَّ»^۲ و «وَ إِنْ كُنَّ أَوْلَاتٍ حَمَلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّى يَضَعْنَ حَمَلَهُنَّ»^۳ استناد جست. آیا می‌توان پذیرفت که هفته اول بارداری و تا زمانی که تخمک به دیواره رحم نچسبیده است از دوران حاملگی به حساب نیاید و زن احکام حمل از جمله وجوب نفقه و عده تا زمان وضع حمل را نداشته باشد؟ مثلاً همان‌طور که در روایت گذشت و در دلیل بعدی نیز می‌آید می‌توان زن را در هفته اول حاملگی حدّ زد یا قصاص نمود؟ البته بیش از تأیید نمی‌توان استدلال را پذیرفت؛ زیرا در تمامی این موارد قرائن وجود دارد.

آری! قبل از لقاح تخمک و اسپرم را نمی‌توان حاملگی نامید، گرچه ممکن است عرف به علت خطا در تطبیق و آگاهی نداشتن به اینکه ممکن است چند روز بعد از زمان نزدیکی، لقاح صورت گیرد زمان شروع حاملگی را از زمان نزدیکی محاسبه کند؛ ولی اگر عرف را تنبّه دهند خواهد پذیرفت که اشتباه کرده است.

به هر حال حتی اگر معنای حمل را ندانیم لزوم تأخیر حد بر زن حتی در اول بارداری مسلم است.^۴

۱. «(زمان حمل و شیردهی سی ماه است.)» سورة احقاف، آیه ۱۵.
 ۲. «صاحبان حمل پایان عده‌شان زمان وضع حملشان است.» سورة طلاق، آیه ۴.
 ۳. «اگر (زن‌هایی که طلاق داده‌اید) صاحب حمل هستند تا زمان وضع حمل بر ایشان خرجی بدهید.» سورة طلاق، آیه ۶.
 ۴. این کلام در دلیل دوم نیز جاری است.

نقد و بررسی

دو اشکال به استدلال پیش گفته شده است که در ادامه بررسی می‌شود:

اشکال یکم: این روایات بر حرمت اسقاط حمل توسط اجنبی دلالت دارند؛ ولی نسبت به اسقاط توسط مادر ساکتند^۱.

در پاسخ می‌توان گفت: اگر زن با علم به اینکه حکمش چیست اقرار کرده باشد و یا اینکه اذن در اجرای حد بدهد در صورت بارداری کشته نمی‌شود و در این حکم میان فقها مخالفی مشاهده نشد^۲. این شمولیت بدان معناست که حرمت اجرای حد به علت عدم جواز اسقاط حمل توسط دیگران نیست، بلکه حتی خود مادر هم نمی‌تواند اقدام به سقط کند؛ چه اینکه حرمت اسقاط، به سبب حفظ حمل و صلاح اوست.

مؤید اینکه علت تأخیر اجرای حد، رعایت مصلحت حمل است، آنکه منشأ تأخیر حد یکی از دو امر است: صلاح فرزند یا ممانعت از نوعی عدوان زائد بر مادر و چون محتمل نیست عدوان بر مادر برای اجرای حد حرمت داشته باشد، پس تنها دلیل صلاح فرزند است^۳.

۱. قایینی، الميسوط في فقه المسائل المعاصرة المسائل الطيبة، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲. دیدگاه‌ها پیشتر در آغاز بیان استدلال مطرح شد.

۳. روایاتی نیز می‌توان بر این امر به عنوان تأیید آورد:

الف. «أَنَّه قَالَ لِعُمَرَ وَ قَدْ أَتَى بِحَامِلٍ قَدْ زَنَتْ فَأَمَرَ بِرَجْمِهَا فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ هَبْ لَكَ سَبِيلَ عَلَيْهَا أَيَّ سَبِيلٍ لَكَ عَلَى مَا فِي بَطْنِهَا وَ اللَّهُ يَقُولُ «وَلَا تَرَوْا زُرَّةً وَ زُرَّ أُخْرَى» فَقَالَ عُمَرُ لَا عَشْتُ لِمُعْضَلَةٍ لَا يَكُونُ لَهَا أَبُو الْحَسَنِ ثُمَّ قَالَ فَمَا أَصْنَعُ بِهَا يَا أَبَا الْحَسَنِ قَالَ احْتَطَّ عَلَيْهَا حَتَّى تَلِدَ فَإِذَا وَ لَدْتُ وَ وَجَدْتُ لَوْلِدَهَا مَنْ يَكْفُلُهُ فَأَقِمِ الْحَدَّ عَلَيْهَا؛ زنی باردار زناکاری را نزد عمر آوردند. عمر دستور داد او را سنگسار کنند. امیر المؤمنین عليه السلام فرمود: گیرم که تو بر این زن تسلط داری؛ ولی بر کودکی که در شکم اوست چه تسلطی داری؟ در صورتی که خدای تعالی می‌فرماید: «گنهکاری بار دیگری را به دوش نکشد». عمر گفت: با او چه کنم؟ فرمود: او را نگهدار تا بزیاید و چون زائید و برای سرپرستی فرزندش کسی را پیدا کرد، آنگاه او را حد بزن». (مفید، الإرشاد، ج ۱، ص ۱۹۵)

ب. «عن يعقوب بن يزيد البغدادي عن محمد بن أبي عمير في حديث مناظرة أبي جعفر مؤمن الطاق مع أبي حنيفة (إلى أن قال أبو جعفر) وَ أَتَى بِأَمْرَاءَ حُبْلَى شَهِدُوا عَلَيْهَا بِالْفَاحِشَةِ فَأَمَرَ بِرَجْمِهَا فَقَالَ لَهُ عَلِيٌّ عَ إِنَّ كَانَ لَكَ السَّبِيلَ عَلَيْهَا فَمَا سَبِيلُكَ عَلَى مَا فِي بَطْنِهَا؛ زن آبهستی پیش عمر آوردند که گواهان بر زناکاری او شهادت داده بودند. عمر دستور داد او را سنگسار کنند. علی فرمود: بر فرض بتوانی آن زن را رجم کنی، ولی در مورد بچه شکمش چه اختیاری داری؟» (مفید، الاختصاص، ص ۱۱۱)

وجه عدم تمامیت استدلال به این دو روایت این است که: اولاً ضعف سند دارند و ثانیاً ممکن است به روایت دوم اشکال شود که از روایت ممنوعیت سقط توسط دیگران برداشت می‌شود؛ ولی بر عدم جواز اسقاط توسط مادر دلالت ندارد. بلی این اشکال به روایت اول وارد نمی‌شود؛ زیرا حضرت به آیه شریفه تمسک

اشکال دوم: ممکن است امری حرام نباشد؛ ولی باعث تأخیر اجرای حد گردد. از این رو ملازمه‌ای بین لزوم تأخیر اجرای حد با عدم جواز اسقاط نیست.

در جواب باید گفت: آنچه که می‌تواند مدعا را ثابت کند ملازمه عقلی یا شرعی بین تأخیر اجرای حد و عدم جواز اسقاط نیست، بلکه ملازمه عرفی برای ایجاد ظهور کفایت می‌کند. به نظر می‌رسد اگر ملازمه شرعی ثابت نشود، دست‌کم ملازمه عرفی با توجه به ارتکازات متشرعه و وجود ادله شرعی نسبت به عدم جواز تأخیر حد و عدم جواز ترحم بر زانی و زانیه ثابت است. اثبات این امر با توجه به دو نکته ممکن می‌شود:

نکته اول: مشهور فقها تأخیر در اجرای حد را جایز ندانسته^۱ و وجوب آن را فوری دانسته‌اند^۲، بلکه ادعا شده خلافی در عدم جواز تأخیر حد نیست^۳. روایت معتبر نیز بر این امر دلالت دارد:

محمد بن الحسن باسناده عن محمد بن أحمد بن يحيى عن بنان بن محمد عن أبيه عن ابن المغيرة عن السكوني عن جعفر عن أبيه عن علي بن أبي حمزة في حديث قال: ليس في الحدود نظر ساعة؛ در اجرای حدود انتظار زمانی (مدتی حدود را تأخیر انداختن) جایز نیست.^۴

محمد بن احمد بن يحيى از اجلا و بزرگان روات است. بنان را می‌توان از باب اکثار روایت محمد بن يحيى عطار از او و هم‌چنین از باب وثاقت مشايخ محمد بن احمد بن يحيى که توسط ابن وليد استثنا نشده‌اند توثيق کرد. پدرش محمد بن عيسى بن عبدالله اشعري را می‌توان از باب اکثار روایت احمد بن محمد بن عيسى اشعري از او توثيق کرد. ابن مغیره از بزرگان و اصحاب اجماع است. سکونی طبق نظر مشهور عامی ثقه است. از جمله راه‌های توثيق او اکثار روایت

مآخذ
پژوهش‌های فقهی

سال سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

نموده‌اند و ظاهرش این است که علت جلوگیری از تعدی به جنین است.

۱. محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۱۴۸؛ نجفی، جواهر الکلام، ج ۴۱، ص ۳۹۵؛ علامه حلی، إرشاد الأذهان، ج ۲، ص ۱۹۱؛ همو، تحرير الأحكام الشرعية، ج ۵، ص ۳۱۰؛ همو، قواعد الأحكام، ج ۳، ص ۵۳۵، شهيد اول، اللمعة الدمشقية، ص ۲۵۷؛ محقق کرکی، جامع المقاصد، ج ۵، ص ۳۸۸؛ اردبیلی، مجمع الفائدة والبرهان، ج ۱۳، ص ۳۶۳، فیض کاشانی، مفاتيح الشرائع، ج ۲، ص ۶۷؛ عاملی، مفتاح الكرامة، ج ۱۶، ص ۵۷۵؛ حائری، ریاض المسائل ج ۱۵، ص ۴۶۸؛ امام خمینی، تحرير الوسيلة، ج ۲، ص ۴۶۹.
۲. شهيد ثانی، مسالك الأفهام، ج ۱۴، ص ۴۱۸.
۳. خویی، مباني تکملة المنهاج، ج ۴۱ موسوعة، ص ۲۲۴.
۴. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۸، ص ۴۷.

عبدالله بن مغیره از اوست. بدین ترتیب روایت موثقه است.

نکته دوم: طبق آیه شریفه زیر رأفت در حق زناکار مورد نهی است:

﴿الرَّائِيَةُ وَالرَّائِيَةُ فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مِائَةَ جَلْدَةٍ وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾؛ هر يك از زن و مرد زناكار را صد تازیانه بزنیید و نباید رأفت (و محبت کاذب) نسبت به آن دو شما را از اجرای حکم الهی مانع شود، اگر به خدا و روز جزا ایمان دارید.^۱

در نتیجه ثابت شد که اسقاط حمل در هر مرحله‌ای از بارداری حرام است.

۲. لزوم تأخیر قصاص در صورت حامله بودن زن

در نگاه بسیاری از فقیهان در صورت حامله بودن زن، قصاص وی به تأخیر می‌افتد^۲، بلکه ظاهراً در این مسأله مخالفی وجود ندارد^۳.

شیوه تقریب استدلال به مانند تقریب دلیل سابق است؛ با این تفاوت که قصاص، حق الناس است و ملازمه بین لزوم تأخیر قصاص با حرمت قصاص واضح‌تر است؛ مخصوصاً اینکه مدت حمل نسبتاً طولانی است و ممکن است زن در این مدت یا هنگام زایمان - مخصوصاً در زمان‌های سابق - از دنیا برود و موضوع قصاص منتفی شود.

۳. لزوم كفاره در صورت اسقاط حمل

اگر زن حمل خود را ساقط کند باید كفاره بدهد، همان‌گونه که در موثقه طلحة بن زید بیان شده است:

محمد بن علي بن الحسين باسناده عن طلحة بن زید عن جعفر بن محمد عن أبيه عليه السلام في امرأة حبلى شربت دواءً فأسقطت قال تكفر عنه؛ امام باقر عليه السلام در مورد زن حامله‌ای که دارویی نوشید و حملش ساقط شد فرمود: باید كفاره بدهد.^۴

۱. سورة نور، آیه ۲.

۲. محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۴، ص ۲۱۶؛ شهید ثانی، مسالك الأفهام، ج ۱۵، ص ۲۵۲؛ علامه حلی، إرشاد الأذهان، ج ۲، ص ۱۹۸؛ همو، تحرير الأحكام الشرعية (ط - الحديثة)، ج ۵، ص ۵۰۰؛ شهید اول، اللعة الدمشقية، ص ۲۷۴؛ شهید ثانی، الروضة البهية (المحشى - كلاتر)، ج ۱۰، ص ۱۰۰.

۳. نجفی، جواهر الكلام، ج ۴۲، ص ۳۲۲؛ خویی، مباني تكملة المنهاج، ج ۴۲ موسوعة، ص ۱۶۸.

۴. صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص ۳۷۳.

طلحة بن زید گرچه عامی است، ولی به علت روایت صفوان از وی ثقہ است. طریق صدوق به طلحة چنین است: «و ما كان فيه عن طلحة بن زید فقد رویتہ عن أبي؛ و محمد بن الحسن - رضي الله عنهما - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى عن محمد بن يحيى الخزاز؛ و محمد بن سنان جميعاً عن طلحة بن زید^۱» که قطعاً یکی از بهترین سندها است. و جوب كفاره دليل بر حرمت اسقاط است. این استدلال مبتنی بر بحث معروفی در فقه است؛ چه آنکه وجود ملازمه میان اثبات كفاره با حرمت آن مورد نزاع است^۲ که به نظر نگارنده این ملازمه و استدلال تمام است (البته مراد ملازمه عرفیه است). با وجود ملازمه، دلالت التزامی روایت، حرمت اسقاط حمل است.

۴. صحیح رفاعه

صحیح رفاعه یکی از واضح ترین و بهترین ادله بر حرمت اسقاط نطفه است. در این روایت حکم عزل که قبل از انعقاد نطفه است، متفاوت با حکم از بین بردن نطفه گزارش شده است: محمد بن یعقوب عن عدة من أصحابنا عن أحمد بن محمد عن ابن محبوب عن رفاعة قال: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام اشترى الجارية فربما احتبس طمئتها من فساد دم أو ریح في رحم فسقى دواءً لذلك فتطمئت من يومها أفيجوز لي ذلك وأنا لا أدري من حبل هو أو غيره فقال لي لا تفعل ذلك فقلت له إنه إنما ارتفع طمئتها منها شهراً ولو كان ذلك من حبل إنما كان نطفة كئطفة الرجل الذي يعزل فقال لي إن النطفة إذا وقعت في الرحم تصير إلى علقه ثم إلى مضغ ثم إلى ما شاء الله وإن النطفة إذا وقعت في غير الرحم لم يخلق منها شيء فلا تسقها دواءً إذا ارتفع طمئتها شهراً و جاز وقتها الذي كانت تطمئت فيه؛ به امام صادق عليه السلام گفتم: کنیزی خریدم و چون حیض او به تأخیر افتاد و فکر کردم فساد خون یا باد رحم موجب تأخیر شده باشد، دارویی به او دادم که در همان روز اول باز شد. در صورتی که نمی دانم عقب افتادن حیض به علت آبستنی است، آیا تجویز این داروها جایز است؟ حضرت فرمود: در صورتی که علت تأخیر معلوم نباشد، تجویز دارو روا

۱. همان، ج ۴، ص ۴۸۰.

۲. برخی مانند صاحب جواهر و حکیم قائل به ملازمه هستند (نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۷، ص ۵۳؛ حکیم، مستمسک العروة، ج ۸، ص ۵۱۵) و در مقابل کسانی مثل خوئی منکر ملازمه اند. (خوئی، موسوعة الإمام الخوئی، ج ۲۲، ص ۳۹۷ و ص ۲۲۸)

نیست. گفتیم: این ماه اول است که حیض او به تأخیر افتاده است. در این صورت، اگر تأخیر حیض به علت آبستنی باشد، با تجویز دارو، نطفه جنین را از رحم او خارج کرده‌ام، مثل آن که انسان به موقع مباشرت نطفه خود را عزل کند و در خارج رحم ریزد. امام فرمود: بعد از آن که نطفه در رحم زن جا بگیرد، مانند کرم به جدار رحم می‌چسبد. بعد مانند گوشت جویده می‌شود. بعد رشد می‌کند و به صورتی که خدا بخواهد خلق می‌شود؛ اما اگر نطفه در خارج رحم بریزد، چیزی خلق نمی‌شود. پس اگر خونریزی کنیزت به تأخیر افتد، گرچه يك ماه بیشتر نباشد، به او دارو مده.^۱

مراد از احمد بن محمد در سند به قرینه ابن محبوب، احمد بن عیسی اشعری است. روایت از لحاظ سند بدون تردید معتبر است.

مهم‌ترین اشکالی که در استدلال به این روایت باید پاسخ گفت نحوه استفاده اطلاق از این روایت است؛ زیرا فرض سؤال روای آنجاست که عادت زن عقب افتاده است. شمول این روایت نسبت به جایی که هنوز عادت تأخیر نیفتاده است، جای تأمل دارد. به بیان دیگر، آنچه در سؤال ذکر شده است تأخیر حیض است و جواب امام ناظر به همان صورت است و در کلام امام چیزی که بتوان از آن اطلاق گرفت وجود ندارد.

ولی به نظر می‌رسد مورد سؤال در این روایت عرفاً خصوصیتی ندارد و آنچه مورد نهی واقع شده است اسقاط نطفه است. دلیلی که در ذیل روایت برای فرق بین محل بحث و مسأله عزل آورده شده است شاهد بر این امر است؛ اینکه چون نطفه در رحم قابلیت رشد را دارد اسقاط ممنوع است، گرچه تأخیری در دم رخ نداده باشد. از تعبیر سائل هنگامی که می‌خواهد به جواب امام اعتراض کند برداشت می‌شود که او علت عدم جواز اسقاط را احترام حمل و موضوع حرمت را احتمال حاملگی دانسته است. امام نیز در ادامه این برداشت او را امضا می‌کنند. جمله پایانی روایت نیز ناظر به فرض سائل است، وگرنه برداشت سائل و نحوه جواب امام بر این دلالت دارد که موضوع حکم حاملگی است و حرمت شامل اسقاط مرحله اول آن که نطفه است نیز می‌شود. بلکه می‌توان بیان دومی برای اطلاق روایت ذکر نمود و آن اینکه تعبیر نطفه که در روایت ذکر شده است در متون روایی به دو معنا به کار می‌رود؛ گاهی مراد از نطفه تخمک لقاح یافته

ما اجتهاد
پژوهش‌های فقهی

واکاوی استفاده از روش‌های اورژانسی جلوگیری از بارداری

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۳۳۸.

است و گاهی مراد منی (اسپرم) است. روایت به خوبی در معنای دوم ظهور دارد. به این عبارت دقت نمایید: «إِنَّمَا كَانَ نُطْفَةً كَنُطْفَةِ الرَّجُلِ الَّذِي يَعْزِلُ لِي إِنْ النُّطْفَةَ إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ تَصِيرُ إِلَى عَلَقَةٍ ثُمَّ إِلَى مُضْغَةٍ ثُمَّ إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَإِنَّ النُّطْفَةَ إِذَا وَقَعَتْ فِي غَيْرِ الرَّحِمِ لَمْ يُخْلَقْ مِنْهَا شَيْءٌ». بدین رو آنچه ملاک نهی و حرمت در این روایت قرار گرفته است منی و اسپرمی است که در رحم ریخته شود و حتی مرحله قبل از لقاح را نیز شامل می‌شود. به بیان دیگر، ابتدا امام به فرض سائل پاسخ می‌گویند. بعد از طرف سائل این پاسخ مورد اعتراض واقع می‌شود و او مدعی می‌شود این هم یکی از صغریات بحث عزل است. در اینجا امام سخن او را انکار کرده و تفاوت این بحث را با بحث عزل بیان می‌نمایند. تفاوت این بیان با بیان سابق در آن است که در بیان سابق، موضوع، حمل تلقی شده است و در این بیان، موضوع، منی در صورت ریخته شدن در رحم است.

بیان سوم نیز می‌توان ذکر کرد و آن اینکه ظهور روایت در حرمت شرب دارو در صورت عقب افتادن حیض مورد اشکال نیست. این اعم است از آنکه از زمان واقعه مدت طولانی گذشته باشد یا اینکه مدت کوتاه مانند یک روز گذشته باشد. مانند جایی که زن دارای عادت منظم است و ساعاتی قبل از آن، واقعه صورت گرفته باشد. در اینجا نیز در صورت عقب افتادن حیض روایت صادق است. پس در بعضی از صور، روایت شامل فرضی که هنوز نطفه به دیواره رحم نچسبیده است می‌شود.

بیان سوم به این بستگی دارد که با عدم احتمال فرق بتوان صوری که حیض عقب نیفتاده است را نیز مشمول حکم دانست.

۵. صحیح اسحاق بن عمار

اسحاق بن عمار درباره زنی که به علت ترس از بارداری دارو می‌خورد تحریم را گزارش می‌کند:

محمد بن علی بن الحسین باسناده عن الحسين بن سعيد عن ابن أبي عمير عن محمد بن أبي حمزة و حسين الرواسي جميعاً عن إسحاق بن عمار قال: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عليه السلام الْمَرْأَةُ تَخَافُ الْحَبْلَ فَتَشْرِبُ الدَّوَاءَ فَتُلْقِي مَا فِي بَطْنِهَا قَالَ لَا فَقُلْتُ إِنَّهَا هِيَ نُطْفَةٌ فَقَالَ إِنَّ أَوَّلَ مَا يُخْلَقُ نُطْفَةٌ؛ به امام کاظم عليه السلام گفتم: زنی از حاملگی می‌ترسد آیا جایز است دارویی بخورد تا آنچه در شکم دارد را بیاندازد؟ امام فرمودند: خیر. گفتم: آن نطفه‌ای بیش

نیست. امام فرمودند: اولین چیزی که خلق می‌شود نطفه است.^۱

صدوق طریق خود به حسین بن سعید را این چنین بیان می‌کند: «و ما كان فيه عن الحسين بن سعيد فقد روئته عن محمد بن الحسن - رضي الله عنه - عن الحسين بن الحسن بن أبان، عن الحسين بن سعيد. و روئته عن أبي - رحمه الله - عن سعد بن عبد الله، عن أحمد بن محمد بن عيسى عن الحسين بن سعيد»^۲. همان طور که ملاحظه می‌شود راویان طریق صدوق همه ثقة امامی‌اند.

در اینکه مراد از خوف حاملگی چیست دو احتمال وجود دارد: یکی اینکه زن احتمال حامله بودن را می‌دهد و می‌ترسد حامله شود؛ دوم اینکه زن می‌داند حامله شده است؛ ولی از حاملگی به هر علتی می‌ترسد. احتمال معنای دوم قوی‌تر است. به هر حال این روایت دلالت روشنی بر حرمت اسقاط نطفه دارد.

نقد و بررسی

دو اشکال به روایت شده است. اشکال اول مخصوص این روایت و اشکال دوم شامل این روایت و روایت سابق می‌شود.

اشکال اول: استدلال به روایت بستگی به اطلاق آن دارد؛ اطلاقی که شامل تخمک لقاح یافته قبل از چسبیدن به دیواره رحم هم بشود؛ ولی ظاهر آن است که روایت چنین اطلاقی ندارد؛ زیرا خوفی که موجب شرب دارو می‌شود عادتاً برای زن حاصل نمی‌شود، مگر بعد از عقب افتادن عادت ماهانه؛ در حالی که لقاح تخمک و انتقال آن دست‌کم یک هفته قبل از این زمان رخ داده است.^۳

به چند دلیل این اشکال ناوارد است: اولاً همان طور که بیان شد خوف از حمل دو احتمال دارد. طبق احتمال اول که زن احتمال حامله بودن را می‌دهد مسلم است که ترس از بارداری از همان زمان مقاربه وجود دارد. لذا زن برای رهایی از این امر ممکن است از همان ابتدا اقدام به شرب دارو کند. طبق احتمال

۱. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۲۶.

۲. صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۹۰.

۳. سیستانی، وسائل المنع من الانجاب، ص ۶۵.

دوم - که زن می داند باردار شده است، ولی از بارداری به هر دلیلی می ترسد - نیز لازم نیست تا عقب افتادن عادت صبر کند، بلکه از هر راهی، هر چند آزمایشات پزشکی جدید یا سنتی، اگر اطمینان به حاملگی پیدا کند اقدام به شرب دارو می کند.

ثانیاً گرچه جواب مقید به قیود ذکر شده در سؤال می شود؛ ولی عرفاً این امر که چه زمانی ترس از حاملگی رخ می دهد دخیل در حکم نیست و آنچه مهم است اسقاط حمل است. ثالثاً حتی اگر بپذیریم شرب دارو بعد از تأخیر عادت است؛ ولی روایت از القای نطفه نهی می کند که شامل مراحل اولیه نیز می شود. پس اگر از هر راهی اثبات شود نطفه منعقد شده است اسقاط آن حرام است.

رابعاً اگر روایت در هیچ یک از دو احتمال پیش گفته ظهور نداشته باشد با وجود اینکه دو احتمال در کلام سائل بوده است و امام استیضاح ننموده اند طبق مبنایی که ترک استیضاح را مفید عموم می داند جواب حضرت شامل هر دو صورت می شود.

می توان این اشکال را به این شیوه نیز تقریر نمود: مراد از خوف در روایت، معنای دوم یعنی ترس از حاملگی قطعی است و علم به حاملگی به طور متعارف مخصوصاً در زمان های قدیم مدتی بعد از واقعه رخ می دهد. این موضوع باعث می شود روایت از مواردی که مدت کوتاهی از واقعه گذشته است منصرف گردد و اصطلاحاً نسبت به چنین مواردی ساکت تلقی شود. منشأ این انصراف یکی از این دو امر است: انصراف لفظ حمل و حبل به موارد متعارف یا انصراف سؤال سائل به فرد غالب و به دنبال آن، اختصاص جواب امام به فرد غالب.

در پاسخ به این تقریر علاوه بر پاسخ های پیشین باید اضافه نمود که آنچه قبیح است اختصاص مطلق به فرد نادر است؛ ولی شمول آن نسبت به افراد غیر غالبی مورد مناقشه نیست؛ مگر آنکه لفظ بر اثر کثرت استعمال در فرد خاصی - که می تواند فرد غالب باشد - عرفاً از معنای دیگر منصرف شود؛ بلکه اساساً چنین انصرافی در حبل و حمل محتمل نیست زیرا وقتی مشخص می شود زنی باردار است - حتی در زمان های قدیم که اثبات حاملگی مدتی طول می کشیده است - می گویند این زن از زمان واقعه حامله بوده است و ما اطلاع نداشتیم، نه اینکه از اکنون حامله شده است.

اشکال دوم: این اشکال عام است و استدلال به این روایت و روایت سابق را مورد نقد قرار

ما هجرت
پژوهش های فقهی

سال سوم، شماره ۱، پیاپی ۱، زمستان ۱۳۹۸

می‌دهد. تقریر اشکال آنکه: بعضی از مراجع در مرگ از روی ترحم (اتانازی) بر این باورند که گرچه نمی‌توان مرگ مغزی شده یا کسی که امید بهبودی ندارد را به قتل رساند یا دستگاه‌های متصل به بدن او را قطع کرد؛ ولی درمان او و وصل کردن دستگاه به بدن او ابتداءً واجب نیست؛ مثلاً اگر کسی که مدت‌ها بیهوش در بیمارستان بستریست و امیدی به سلامت او نیست دچار مشکلی شد؛ مثلاً پتاسیم خون او بالا رفت؛ دادن دارو به او واجب نیست؛ اگرچه طی آن از دنیا برود^۱. همین تقریر در عملکرد سوم که تخمک لقاح یافته از بین برده می‌شود جریان دارد. بر این اساس باید روش‌هایی که تخم را نمی‌کشند، بلکه با جلوگیری از مستعد شدن شرایط مانع از لانه‌گزینی تخم می‌شوند را جایز دانست.

در پاسخ باید گفت: در بارداری اگر دخالت و مصرف قرص‌های اورژانسی نباشد بدن در سیر طبیعی خود به مشکلی بر نمی‌خورد. این قرص‌ها هستند که این فرایند طبیعی را مختل می‌کنند و طبق ادله بیان شده جایز نیستند.

بلی اگر نطفه قابلیت رشد را به هر علتی نداشته باشد؛ مثلاً بارداری خارج از رحم باشد می‌توان در وجوب درمان و معالجه اشکال کرد، بلکه آنچه در مرگ ترحمی آمده است درمان و معالجه غیر متعارف است و اگر قرار بر اشکال باشد به معالجه‌های نامتعارف اختصاص می‌یابد.

۶. روایات وجوب دیه اسقاط حمل

در کتاب وسائل المنع من الانجاب^۲ دو روایت صحیح محمدبن مسلم و ابوعبیده که مرتبط با بحث دیه است آورده شده است. این دو روایت در ادامه بیان و بررسی می‌شود:

۱. عنه (محمدبن یحیی) عن أحمدبن محمدبن عیسی عن ابن محبوب عن أبي أيوب الخراز عن محمدبن مسلم قال: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَضْرِبُ الْمَرْأَةَ فَتَطْرَحُ النُّطْفَةَ فَقَالَ عَلَيْهِ عَشْرُونَ دِينَارًا فَقُلْتُ يَضْرِبُهَا فَتَطْرَحُ الْعَلَقَةَ فَقَالَ عَلَيْهِ أَرْبَعُونَ دِينَارًا؛ از امام باقر عليه السلام در مورد مردی پرسیدم که زن را می‌زند و زن نطفه را سقط می‌کند. حضرت فرمود: بیست دینار (دیه) باید پردازد. گفتم علقه را سقط می‌کند. فرمود: چهل دینار.^۳

۱. تبریزی، استفتاآت جدید، ج ۱، ص ۴۶۹.

۲. سیستانی، وسائل المنع من الانجاب، ص ۷۳.

۳. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۹، ص ۳۱۴.

روایت بر حرمت سقط دلالت ندارد؛ زیرا گرچه ملازمه عرفی بین وجوب ديه و حرمت فعل را می‌پذیریم؛ ولی از این روایت بیش از حرمت جنایت غیر بر شخص استفاده نمی‌شود و نمی‌توان حرمت این عمل را برای مادر ثابت کرد، چنان‌که اگر کسی مردی را در هنگام مجامعت بترساند به نحوی که منی بیرون ریخته شود باید ديه منی را بدهد؛ ولی خود مرد می‌تواند عزل کند و حرام نیست.

۲. محمد بن الحسن باسناده عن الحسين بن سعيد عن ابن محبوب عن علي بن رثاب (عن أبي عبيدة) عن أبي عبد الله عليه السلام في امرأة شربت دواءً وهي حامل لتطرح ولدها فألقته ولدها... قَالَ وَإِنْ كَانَ جَنِينًا عَلَقَةً أَوْ مُضْغَةً فَإِنَّ عَلَيْهَا أَرْبَعِينَ دِينَارًا أَوْ غُرَّةً تُسَلِّمُهَا إِلَى أَبِيهِ؛ از امام درباره زن بارداری سؤال شد که برای سقط فرزندش دارویی خورده بود و در اثر آن فرزند سقط شد. امام عليه السلام فرمود:... اگر جنین علقه یا مضغه باشد باید چهل دینار یا یک غره به پدرش بپردازد.

استدلال به روایت نیز نادرست است؛ زیرا موضوع روایت، علقه است و علقه بر تخمک لقاح یافت صدق نمی‌کند.^۲

با توجه به ادله‌ای که اقامه گردید^۳ آشکار شد که جلوگیری از بارداری بعد از انعقاد نطفه جایز نیست. پس اگر زن بداند نطفه منعقد شده است یا دلیل شرعی معتبر بر این امر اقامه شود نمی‌تواند از قرص‌های اورژانسی استفاده نماید.

حکم استفاده از قرص‌های جلوگیری در صورت شک

چنان‌که دانسته شد از میان سه عملکرد پیش‌گفته عملکرد اول و دوم مربوط به پیش از رسیدن اسپرم به تخمک است و دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد و در عملکرد سوم به علت اینکه مربوط به پس از انعقاد نطفه است اسقاط جایز نیست. بدین ترتیب دانستن آنکه نطفه منعقد شده یا نه

۱. قانونی، المبسوط فی فقه المسائل المعاصرة، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲. نویسنده کتاب «وسائل المنع من الانجاب» (ص ۶۹) معتقد است به تخمک لقاح یافته، علقه گفته می‌شود. نگارنده این سطور استدلال مؤلف را خلاف ظاهر و ناتمام می‌داند؛ گرچه به جهت اختصار ناچار است از بررسی آن بپرهیزد.

۳. شایان ذکر است ادله دیگری نیز بر حرمت اسقاط نطفه اقامه شده است؛ ولی با توجه به وجود ادله متعددی که در بالا ذکر شد نیازی به بازگو کردن آنها نیست.

در تعیین حکم آن مؤثر است. گاه انعقاد یا عدم آن از طریقی دانسته می‌شود و گاه زن نمی‌داند نطفه منعقد شده یا خیر. در این حالت که شک پدید می‌آید استفاده از این قرص‌ها چگونه است؟ به طور معمول گفته می‌شود به لحاظ علم اصول، استصحاب عدم بارداری و برائت از حرمت استفاده از قرص جاری است. طبق مبنایی که جریان دو اصل سببی موافق را ممکن می‌داند هر دو اصل جاری است، وگرنه فقط اصل سببی جاری می‌گردد. البته با توجه به وجود دلیل اجتهادی از بیان تفصیلی جریان اصل عملی صرف نظر می‌شود.

به نظر می‌رسد به اقتضای دلیل اجتهادی استفاده از قرص به هنگام شک حرام است؛ زیرا موضوع صحیح رفاعه - که از لحاظ سندی معتبر و از لحاظ دلالتی صریحاً از اسقاط نطفه نهی کرده است - شک در وجود حاملگی است. در روایت آمده است: «أَنَا لَا أَدْرِي مِنْ حَبْلِ هُوَ أَوْ غَيْرِهِ؛ نمی‌دانم قطع شدن خون زن به علت حاملگی است یا علت دیگری دارد». امام صریحاً حکم به عدم جواز استفاده دارویی کردند که احتمال دارد موجب اسقاط نطفه شود. هم‌چنین در صحیح اسحاق بن عمار آمده است: «الْمَرْأَةُ تَخَافُ الْحَبْلَ» و چنان‌که گذشت در مراد از خوف، دو احتمال وجود دارد. اکنون اگر خوف حاملگی را به معنای احتمال حاملگی بدانیم این روایت نیز دلالت واضحی بر حرمت خواهد داشت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

آن دسته از روش‌های جلوگیری از بارداری که قبل از انعقاد نطفه مانع بارداری و لقاح می‌شوند، به استناد ادله جواز عزل و اصل برائت جایزند؛ اما بعد از انعقاد نطفه هر گونه ایجاد مانع برای تخمک لقاح یافته جایز نیست. عدم جواز اجرای حدود و قصاص در زمان بارداری، لزوم کفاره در فرض اسقاط و صحیح رفاعه و اسحاق بن عمار دلیل بر این مدعاست. هم‌چنین با شک در انعقاد نطفه، صحیح رفاعه و اسحاق بن عمار - طبق یک احتمال - بر حرمت استفاده از راه‌های جلوگیری از بارداری دلالت دارد.

بر این اساس حکم استفاده از انواع قرص‌های جلوگیری بدین شکل سامان می‌یابد: قرص‌های یولیپرستال (UPA): این نوع قرص‌ها اگرچه معمولاً آزاد شدن تخمک از تخمدان زن را عقب می‌اندازد؛ ولی بعضی مطالعات نشان از آن دارد که این دارو با جلوگیری از بلوغ دیواره رحم باعث نامناسب ماندن آن برای پذیرش تخم لقاح یافته و در نتیجه جلوگیری

از لانه‌گزینی تخم می‌شود. از این رو مصرف این نوع قرص‌ها جایز نیست. وسایل داخل رحمی از جنس مس (IUD): بعضی از یافته‌ها حکایت از آن دارد که این وسیله با آزاد کردن تدریجی یون مس باعث ایجاد محیط نامناسب برای زنده ماندن اسپرم در رحم و در نتیجه ناتوانی اسپرم در لقاح می‌شود؛ ولی مکانیسم اثر آن دقیقاً روشن نیست و ممکن است نطفه لقاح یافته را از بین ببرد. بدین ترتیب استفاده از آن جایز نیست؛ مگر اینکه مانند آنچه در قرص لوونورژسترول گفته شد حجت شرعی یا علم به این پیدا شود که تأثیری روی تخمک لقاح یافته ندارد.

قرص‌های ترکیبی: قرص‌های ضد بارداری معمولی (غیر اورژانسی) از این دست شمرده می‌شوند. استفاده از این قرص‌ها در صورت احتمال بارداری جایز نیست؛ زیرا احتمال دارد مانع از لانه‌گزینی تخم لقاح یافته در دیواره رحم شوند.

قرص‌های مایفپریستون (RU-486): در این قرص‌ها احتمال از بین بردن نطفه منعقد شده وجود دارد. از این رو مصرف این نوع قرص جایز نیست.

قرص‌های لوونورژسترول (LNG): این نوع قرص‌ها از تخمک‌گذاری جلوگیری یا چند روز آن را به تأخیر می‌اندازد و یا اینکه از طریق ضخیم کردن موکوس گردن رحم و هم‌چنین کند کردن حرکت اسپرم یا تخمک در لوله‌های رحم باعث جلوگیری از به هم رسیدن اسپرم و تخمک و انجام عمل لقاح می‌شود؛ از این رو استفاده از آن‌ها می‌تواند حلال باشد؛ ولی شواهدی به خصوص در مطالعات حیوانی وجود دارد که نشان می‌دهد این نوع قرص‌ها باعث جلوگیری از لانه‌گزینی سلول تخم لقاح یافته در دیواره رحم می‌شود. بر این اساس باید گفت اگر مکلف به علم یا اطمینان - گرچه از سخن پزشک - یا حجت شرعی دست یابد که عملکرد این قرص‌ها مربوط به پیش از لقاح است می‌تواند از آن‌ها استفاده نماید، وگرنه جایز نیست. بلکه به نظر می‌رسد حتی اگر ثابت شود که عملکرد این نوع قرص‌ها مربوط به قبل از لقاح است یا علم به عدم لقاح وجود داشته باشد اطلاق روایات منع شامل آن می‌شود؛ چه آنکه مستفاد از روایات این است که هر گاه منی در رحم مستقر باشد اسقاط آن حرام است.

منابع و مآخذ

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت: دار الفكر- دار صادر، چ ۳، ۱۴۱۴ق.
۲. اردبیلی، احمد بن محمد، مجمع الفائدة والبرهان في شرح إرشاد الأذهان، قم: انتشارات اسلامی، چ ۱، بی تا.
۳. اصفهانی، سید ابوالحسن، وسیلة النجاة (مع حواشی گلپایگانی)، قم: چاپخانه مهر، چ ۱، ۱۳۹۳ق.
۴. تبریزی، جواد بن علی، استفتات جدید، قم: [بی تا]، چ ۱، [بی تا].
۵. حائری، سید علی بن محمد طباطبایی، ریاض المسائل، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۶. حکیم، سید محسن طباطبایی، مستمسک العروة الوثقی، قم: مؤسسه دار التفسیر، چ ۱، ۱۴۱۶ق.
۷. حلّی، حسن بن یوسف، إرشاد الأذهان إلى أحكام الإيمان، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۰ق.
۸. _____، تحریر الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية، قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ ۱، ۱۴۲۰ق.
۹. _____، قواعد الأحكام في معرفة الحلال و الحرام، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۳ق.
۱۰. حلّی، جعفر بن حسن، شرائع الإسلام في مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چ ۲، ۱۴۰۸ق.
۱۱. حلّی، یحیی بن سعید، الجامع للشرائع، قم: مؤسسه سید الشهداء العلمية، چ ۱، ۱۴۰۵ق.
۱۲. خراسانی، حسین و حید، منهاج الصالحین (للوحید)، قم: مدرسه امام باقر علیه السلام، چ ۵، ۱۴۲۸ق.
۱۳. خمینی، سید روح الله موسوی، تحریر الوسيلة، قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم، چ ۱، [بی تا].
۱۴. خوئی، سید ابو القاسم موسوی، منهاج الصالحین، قم: مدینه العلم، چ ۲۸، ۱۴۱۳ق.
۱۵. _____، موسوعة الإمام الخوئي، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۱۶. _____، مباني تكملة المنهاج، قم: مؤسسه إحياء آثار الإمام الخوئي، چ ۱، ۱۴۲۲ق.
۱۷. سیستانی، سید محمد رضا، وسائل المنع من الانجاب، [بی جا]: دار المورخ العربی، چ ۲، ۱۴۲۸ق.
۱۸. سیستانی، سید علی حسینی، منهاج الصالحین (للسیستانی)، قم: دفتر معظم له، چ ۵، ۱۴۱۷ق.
۱۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۲، ۱۴۱۳ق.
۲۰. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرين، تهران: کتابفروشی مرتضوی، چ ۳، ۱۴۱۶ق.
۲۱. طوسی، ابوجعفر، محمد بن الحسن، تهذیب الأحكام، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چ ۴، ۱۴۰۷ق.
۲۲. _____، الفهرست (للشیخ الطوسی)، نجف: المكتبة الرضویة، چ ۱، [بی تا].
۲۳. _____، المبسوط في فقه الإمامية، تهران: المكتبة المرتضویة، چ ۳، ۱۳۸۷ق.
۲۴. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام، چ ۱، ۱۴۰۹ق.
۲۵. عاملی، سید جواد بن محمد حسینی، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط - الحديثة)، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۱، ۱۴۱۹ق.
۲۶. عاملی، شهید اول، محمد مکی، اللمعة الدمشقية في فقه الإمامية، بيروت: دار التراث، چ ۱، ۱۴۱۰ق.
۲۷. عاملی، شهید ثانی، زین الدین، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية، قم: دفتر تبلیغات، چ ۱، ۱۴۱۲ق.

٢٨. ____، الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى كلانتر)، قم: كتابفروشي داوري، ج ١، ١٤١٠ق.
٢٩. ____، مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ج ١، ١٤١٣ق.
٣٠. عاملي، علي بن حسين، جامع المقاصد في شرح القواعد، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ج ٢، ١٤١٤ق.
٣١. فيومي، احمد بن محمد، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، قم: منشورات دارالرضي، ج ١، [بي تا].
٣٢. قائيني، محمد، المبسوط في فقه المسائل المعاصرة، قم: مركز فقهی ائمة اطهار عليه السلام، ج ١، [بي تا].
٣٣. كاشاني، فيض، محمد محسن، مفاتيح الشرائع، قم: كتابخانه آيت الله مرعشي نجفی، ج ١، [بي تا].
٣٤. گليپايگانی، لطف الله صافی، هداية العباد (للصافي)، قم: دار القرآن الكريم، ج ١، ١٤١٦ق.
٣٥. مفيد، محمد بن محمد، الإختصاص، قم: المؤتمر العالمي لألفية الشيخ المفيد، ج ١، ١٤١٣ق.
٣٦. ____، الإرشاد، ترجمة رسولی محلاتی، تهران: اسلاميه، ج ٢، [بي تا].
٣٧. ____، المقنعة، قم: كنزگه جهانی هزاره شیخ مفيد، ج ١، ١٤١٣ق.
٣٨. نجفی، محمد حسن، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، بيروت: دار إحياء التراث، ج ٧، ١٤٠٤ق.
٣٩. نراقی، احمد بن محمد مهدي، مستند الشيعة في أحكام الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام، ج ١، ١٤١٥ق.
٤٠. يزدي، سيد محمد كاظم، العروة الوثقى (المحشى)، قم: دفتر انتشارات اسلامي، ج ١، ١٤١٩ق.
٤١. ____، العروة الوثقى (للسيد اليزدي)، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات، ج ٢، ١٤٠٩ق.
٤٢. ____، العروة الوثقى مع التعليقات، قم: انتشارات مدرسه امام علي بن ابي طالب عليه السلام، ج ١، ١٤٢٨ق.
٤٣. ____، العروة الوثقى مع تعليقات الفاضل، قم: مركز فقهی ائمة اطهار عليه السلام، ج ١، [بي تا].
44. Stoyles, Byron. (2015). the Value of Pregnancy and the Meaning of Pregnancy Loss. Journal of Social Philosophy. 46. 10.1111/josp.12088.
45. joseph B. Stanford, David B. Dunson, Effects of Sexual Intercourse Patterns in Time to Pregnancy Studies, American Journal of Epidemiology, Volume 165, Issue 9, 1 May 2007, Pages 1088-1095, <https://doi.org/10.1093/aje/kwk111>
46. Glasier A, Cameron ST, Bliithe D, Scherrer B, Mathe H, Levy D, et al. Can we identify women at risk of pregnancy despite using emergency contraception? Data from randomized trials of ulipristal acetate and levonorgestrel. Contraception. 2011 Oct;84(4):363-7. doi: 10.1016/j.contraception.2011.02.009. Epub 2011 Apr 2.
47. Haeger KO, Lamme J, Cleland K. State of emergency contraception in the U.S., 2018. Contracept Reprod Med. 2018;3:20. Published 2018 Sep 5. doi:10.1186/s40834-018-0067-8
48. Matyanga CMJ, Dzingirai B. Clinical Pharmacology of Hormonal Emergency Contraceptive Pills. Int J Reprod Med. 2018;2018:2785839. Published 2018 Oct 4. doi:10.1155/2018/2785839/